



Educational Method of the Noble Qur'an in Changing People's Behavior in the Age of Revelation through the Verses on Usury (Riba) Prohibition from Sunni and Shi'ite Perspective

Gholamhosein A'rabi *

Ali Ahmad Naseh **

Reza Najafi ***

Received: 6/15/2018 Accepted: 11/7/2018

Abstract

The influence of the Qur'an on culture in the age of revelation and changing people's behavior back then has been one of the important and challenging issues among commentators and Qur'anic scholars. It is even a more serious matter when it comes to some subjects such as Prohibition of usury and usury devouring as some people get enriched by its unfair interest and it is not easy to restore this process. It is essential to study verses of the Noble Qur'an as well as Sunni and Shi'ite viewpoints in order to achieve results in this research. The obtained results reveal that the educational method of the holy Qur'an is based on gradual practice along with conveying behavioral tranquility to the addressees. In this method, the subject is dealt with step by step, and finally it is announced by giving emphatic commands, imperatives and prohibitions to the addressee. Ban on usury and devouring it is also announced this way and various stages are considered for that. Accordingly, the noble Qur'an starts to familiarize people with this subject using the gradual educational method and then it continues the procedure until ultimate prohibition. Undoubtedly, the educational method of the holy Qur'an on imposing a ban on usury, usury devouring, and many other issues has been unique and not commonplace until then.

Keywords: Education, The Noble Qur'an, Behavior, Age of Revelation (Nuzul), Usury (Riba), Sunni and Shi'ite

* Associate Professor, Department of the Qur'anic Science and Hadith, University of Qom | golamhosein.araib@gmail.com

** Associate Professor, Department of the Qur'anic Science and Hadith, University of Qom | aliahmadnaseh@yahoo.com

*** Ph.D. Student in the Qur'anic Science and Hadith, University of Qom-Pardis | najafi9487@gmail.com



شیوه تربیتی قرآن کریم در تغییر رفتار مخاطبان عصر نزول در آیات نهی از ربا از دیدگاه فریقین

غلامحسین اعرابی *

علی احمد ناصح **

رضا نجفی ***

تاریخ ارسال: ۹۷/۰۳/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۱۶

چکیده

تأثیر گذاری قرآن بر فرهنگ زمانه و تغییر در رفتار مخاطبان عصر نزول، همواره از مسائل مهم و چالش برانگیز میان مفسران و دانشمندان علوم قرآنی است. این مسئله در پاره‌ای از موضوعات؛ مانند نهی از ربا و رباخواری جدی تر است؛ چراکه عده‌ای از سود و منافع آن بهرمنند شده‌اند و دگرگونی آن به راحتی امکان پذیر نیست. مطالعه آیات کریمه و دیدگاه فریقین برای این تحقیق ضروری است. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که شیوه تربیتی قرآن کریم مبتنی بر روش تدریجی، همراه با القای آرامش رفتاری به مخاطب است. در این روش، به صورت گام به گام به موضوع پرداخته و در نهایت، با دستورات تأکیدی، اوامر و نواهی به مخاطب ابلاغ می‌شود. موضوع نهی از «ربا» و «رباخواری» نیز در همین قالب دیده شده و مراحل متعددی برای آن در نظر گرفته شده است. بر این اساس، قرآن کریم با روش تربیت تدریجی، موضوع را از «ایجاد قرابت ذهنی» آغاز می‌کند و تا «نهی نهایی» پیش می‌برد. بی تردید، شیوه تربیتی قرآن کریم در بسیاری موارد؛ از جمله در موضوع تحریم ربا و رباخواری، منحصر به فرد بوده و تا آن زمان، رایج نبوده است.

واژگان کلیدی

تربیت، قرآن کریم، رفتار، عصر نزول، ربا، فریقین.

* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم | golamhosein.araib@gmail.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم | aliahmadnaseh@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث پردیس دانشگاه قم | najafifi9487@gmail.com

۱. مقدمه

مجموعه اوامر، نواهی و راهکارهای قرآن کریم در قالب‌های متنوع و با اسلوبی منحصر به فرد، تلاش می‌کند تا روابط همه‌جانبه مخاطبان خود در عرصه‌های مختلف را تغییر دهد و متناسب با اهداف دین اسلام طراحی نماید. برخی از مناسبات اجتماعی عصر نزول به قدری در فرهنگ مخاطبان قرآن کریم ریشه‌دار بود که شاید تغییر آن محال به نظر می‌رسید؛ اما پس از هجرت و با شکل‌گیری مدنیت دینی، زمینه‌های تحول رفتاری تازه مسلمانان فراهم شده و رفته‌رفته اهداف تربیتی اسلام عزیز محقق گردید. اکنون ابعاد مختلف تحولات عظیم اجتماعی در زمان نزول قرآن کریم بررسی و تحقیق شده و عظمت آن تحولات بر هیچ آزاداندیش منصفی پوشیده نیست؛ تحولی شگرف که اعراب ستیزه‌جو را به الگوهای تبدیلی کرد که در پاره‌ای از نمونه‌ها، تاریخ‌ساز شدند. در این عرصه پُر تحول و شگرف، همگان بر این مهم اتفاق نظر دارند که: اسلام در تثبیت باورهایش، از خشونت استفاده نکرده و در تبیین رسالتش از تحکم و بی‌منطقی خبری نیست. اما باید پرسید: آن تحول عظیم در فرهنگ متوحش عصر نزول چگونه به وقوع پیوست؟ چه شد که اعراب بیابان‌گرد آن روزگار در برابر شأن و جلالت اسلام سر تسلیم فرود آوردند؟

در این رهگذر، هریک از موضوعات اجتماعی آن‌روز، مسئله‌ای قابل بررسی است؛ اما برخی از کنش‌های رفتاری مخاطبان قرآن در عصر نزول چنان عمیق بود که لازم است تغییر آن ارزیابی شود. از جمله می‌توان به مسئله «ربا» اشاره کرد که در اقتصاد آن روزگار، پایه‌ای مستحکم داشت. شیوه برخورد قرآن با این موضوع چگونه بوده است؟ قرآن کریم با چه روش تربیتی، مخاطبان خود را بر زشتی عملکردشان در خصوص رباخواری متنبه نمود؟ از این‌رو، موضوع تحقیق حاضر، بررسی و مطالعه شیوه نظام‌مند قرآن کریم در نهی از رذیلتی است که بخشی از فرهنگ مخاطبان را تشکیل داده بود.

منافع اقتصادی آن مردمان اقتضا می‌کرد که ازدیاد اموالشان را بر پایه‌های ناروا بنا نمایند؛ ثروتی که چشم‌پوشی از آن محال بود. مسئله این است که قرآن کریم با چه روشی آنان را بر تسلیم در برابر امر الهی متقاعد نمود؟ فرایند تأثیر‌گذاری و تربیت‌پذیری در این مسئله چه بوده است؟

مفروض این تحقیق، این است که مطالعه و بررسی آیات کریمه نشان می‌دهد، کلام‌الله مجید - سویای تقدم و تأخر نزول - بر شیوه مدارا با مخاطبان و تغییر تدریجی رفتار آنان دلالت دارد. هدف نوشتار حاضر، اثبات سیر نزول آیات نیست؛ اما آنچه خداوند به عنوان مربی بشر به مخاطبان می‌آموزد، این است که: تربیت در مدارای آرامش‌بخش میسور است. سیمای کلی آیاتی که در باب تحریم ربا نازل شده، ناظر بر همین ادعاست. به عبارت دیگر، با روش تحلیل محتوا، به دنبال اثبات فرضیه مذکور در باب تحریم ربا هستیم. بدیهی است، بررسی زمانی و مکانی آیات تحریم ربا و همچنین تقدم و تأخر آنها نیازمند مجالی مستقل می‌باشد.

۲. پیشینه موضوع

ربا و رباخواری - که از رسوم رایج یهودیان و اعراب جاهلی بوده - انعکاس قابل توجهی در آیات قرآن کریم دارد. «ربا»، به جهت آثار مخرب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نه تنها در اسلام که در همه ادیان توحیدی نکوهش و نهی شده است. بر این اساس، می‌توان آثار فراوانی را در میان تحقیقات و تألیفات مسلمانان جست‌وجو کرد؛ آثاری که این موضوع را از ابعاد مختلف ارزیابی کرده‌اند. مفسران فریقین ذیل آیات مربوط به ربا، به شرح و توضیح و تبیین نکات هرآیه پرداخته و از نتایج مخرب آن در لابه‌لای مباحث خود، موضوعاتی را طرح کرده‌اند. مراحل مختلف نزول آیات مربوط به ربا به همراه سبب یا شأن نزول هر یک، گویای تدریجی بودن نهی از رباخواری است؛ اما اینکه چرا قرآن کریم به این شکل با ردائل عصر نزول روبه‌رو می‌شود، مسئله‌ای است که نیازمند کاوش بیشتر و دقت نظر عمیق‌تر است. تاکنون چرایی این شیوه، بررسی نشده و همچنان بدون تحلیل باقیمانده است. به عبارت دیگر، تطبیقی میان مراحل نزول آیات قرآن کریم در این موضوع خاص با شیوه تربیتی آن ارائه نشده است.

۳. تعاریف

۳-۱. ربا

این واژه بارها به شکل‌های مختلف در قرآن کریم استفاده شده است. فرهنگ فارسی معین واژه «ربا» را این چنین معنا کرده است: «پولی که بستانکار از بدهکار بابت منافع پول خود می‌گیرد» (محمد معین، ۱۳۸۲). دهخدا در خصوص کاربردهای این کلمه در میان مردم چنین نوشته است: «سودخوری؛ زیادتر گرفتن از آنچه قرض داده شده؛ افزونی بر اصل پول بی آنکه معامله‌ای انجام شده باشد؛ زیاد گرفتن در وام و بیع» (علی اکبر دهخدا، ۱۳۷۷). تعابیر دیگری نیز در میان فرهنگ‌نگاران ارائه شده است. در فرهنگ عمید آمده است: «فایده و سودی که طلبکار بابت طلب خود می‌گیرد؛ نوعی بیع و معامله که اسلام آن را تحریم کرده؛ به جهت سود و بهره‌ای که داین از نقد و جنس به طریق استثمار فاحش از مدیون دریافت می‌کند» (حسن عمید، ۱۳۹۰). لغت‌نامه عربی «المنجد» از واژه «ربا» به معنای افزایش و زیاده یاد کرده (لوئیس معلوف، ۱۳۸۶) و لسان‌العرب آن را این گونه معنا کرده است: «والاصلُ فیه زیادهٌ من ربا المال اذا زاده و ارتفع...؛ اصل در ربا زیاد شدن دارایی است، چنانکه [بدون کار و تلاش] افزایش یابد...» (ابن منظور، ۱۳۹۲).

«ربا» معادل «usury» و به مفهوم کلماتی همچون: تنزیل، ربح، مرابحه، سود و نزول است. راغب اصفهانی در مفردات در شرح معنای این واژه می‌نویسد: «الزبایه علی رأس المال، لکن خصّ فی الشرع بالزبایه علی وجه دون وجه؛ افزایش در اصل مال، اما در شرع به زیاد شدن بدون دلیل اطلاق شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). واژه مذکور به‌طور مکرر در قرآن کریم در سوره‌های بقره، آل عمران، نساء و روم به کار رفته و در هریک از مواضع یاد شده، به گونه‌ای مورد نکوهش قرار گرفته است. این اصطلاح قبل از اسلام نیز در میان اعراب جاهلی و دیگر ساکنان حجاز رواج داشت که از آن مفهوم «زیاد شدن» را درک می‌نمودند؛ چنانچه وقتی فردی قادر نبود بدهی خود را پرداخت کند، بدهی او دو برابر می‌شد و در صورت عدم پرداخت، مجدداً افزایش می‌یافت. اعراب و یهودیان در نقاط مختلف حجاز با همین روش به سرمایه و سودهای کلان دست‌یافته و آن را از مشاغل مهم خود قلمداد می‌کردند. بسیاری از کسانی که برای پرداخت دیون خود توانایی کافی نداشتند، به اسارت

می‌رفتند یا اموالشان توسط اشراف ضبط می‌شد. از این رو بود که پدیده‌ای چون «برده‌داری» رواج یافته بود و افراد به جهت بدهی‌های فراوان خود مورد سوءاستفاده، استثمار و اسارت قرار می‌گرفتند (جوادی علی، ۱۹۷۶م، ج ۶، ص ۵۳۹). بنابراین، این کلمه به معنای زیاد شدن مال از راه‌های نامشروع است. آنچه که از مفهوم این واژه استنباط می‌شود، بارها در قرآن کریم سرزنش و نکوهش شده است.

۲-۳. تربیت

واژه «تربیت» معادل «Education»، مصدر باب تفعیل است که به دلیل معتدل و ناقص بودن ریشه لغوی آن، بر وزن «تفعله» آمده است: «ربی، یربی، تریبه». برخی، ریشه کلمه تربیت را «ربب» دانسته‌اند. نویسنده کتاب *النظام التربوی فی الاسلام* به استناد برخی از لغت‌نامه‌ها تصریح کرده است که «تربیت» در لغت، از ماده «ربب» است: «التربیتة فی اللغة مأخوذة من ربّ ولده و الصبی یربّه» (باقر شریف قرشی، ۲۰۰۶م، ص ۴۱). راغب اصفهانی نیز در مفردات، ریشه تربیت را از «ربو» می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). با مطالعه دیدگاه راغب اصفهانی مشخص می‌شود که «تربیت» از «ربو» مشتق شده است، نه از «ربب». همچنین، وی در ذکر معنای «رب» چنین می‌نویسد: «الرَّبُّ فی الأصل: التریبه، و هو إنشاء الشيء حالاً فحالاً إلی حدّ التمام؛ کلمه رب در ریشه و اصل از تربیت گرفته شده است، و به معنای به وجود آوردن چیزی از یک حالت به حالت دیگر تا زمانی که تمام شده و به کمال رسد» (همان). گویا راغب اصفهانی با این تعریف تدریجی بودن تربیت را اراده کرده که امری قابل توجه و بسیار مهم است. بنابراین، از نظر وی، «ربو» ریشه اصلی واژه تربیت است.

این واژه از هریک از دو ریشه لغوی که باشد، بارها در قرآن کریم استعمال شده و به مفهوم پرورش و پروراندن به کار رفته است. استاد مطهری (ره) تربیت را این‌گونه تعریف کرده است: «تربیت عبارت است از: پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها؛ یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم، مجازاً به کار برده‌ایم، نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم»

(مرتضی مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۲، ص ۵۵۱). بنابراین، می‌توان تربیت را عملی دانست که قوای جسمانی، روانی و عقلی انسان را شکوفا سازد تا آن قوا، با نظام و سازمان ویژه‌ای با استمداد از درون و به مدد کوشش‌های او به میزان توانایی و استعدادهای خود رشد و پیشرفت نماید (سید محمدباقر حجتی، ۱۳۸۵، ص ۱۰). بنا بر آنچه گفته شد، تربیت یعنی پرورش همه جنبه‌های فکری، عاطفی، جسمی و اجتماعی فرد تا بتواند به بهترین شکل ممکن در صحنه‌های گوناگون زندگی کند.

۴. ربا در رسوم جاهلی

بانگاهی کلی به موضوع ربا، درمی‌یابیم که اعراب، پیش از نزول قرآن کریم با استفاده از رباخواری، سود سرشاری کسب می‌کردند و این رذیله را بخشی از فعالیت اقتصادی خود می‌دانستند. شهرهای مهمی چون مکه، مدینه و طائف، در آن روزگار نقش تأثیرگذاری در رواج ربا و رباخواری داشتند. پیش از ظهور اسلام، برخی از بزرگان قریش از رواج‌دهندگان ربا بوده و به آن اقدام می‌کردند. اشخاصی چون عباس بن عبدالمطلب، عثمان بن عفان و خالد بن ولید از فعالان معاملات ربوی بوده و در این کار شهرت داشتند. بیشترین مشتریان دریافت وام‌های ربوی نیز از افراد فقیر و تهیدستی بودند که در بیشتر موارد نسبت به بازپرداخت وام‌های خود ناتوان بودند. از این رو، زنان و فرزندان آنان به بردگی رفته و اموالشان به نفع وام‌دهنده مصادره می‌شد (موسایی، ۱۳۷۶، ص ۴). در عصر جاهلیت نوعی از ربا بسیار مرسوم و متداول بود که امروزه اثری از آن نیست و هیچ معامله ربوی بر مبنای آن صورت نمی‌گیرد. این نوع از ربا مربوط به استقراض است که با آنچه در ذهن‌ها مأنوس است، تفاوت دارد. در این شکل از پرداخت ربوی، وام‌گیرندگان بدون قرار سود بیشتر، بعد از پایان مدت مقرر و در صورت ناتوانی برای بازپرداخت، تقاضای مهلت می‌کردند و طلبکاران مشروط به افزایش میزان بدهی، با افزایش زمان بازپرداخت موافقت می‌کرد. بخشی دیگر از معاملات ربوی مرسوم در عصر نزول قرآن کریم مربوط به قرض حیوانات بود. در صورت موافقت ربا‌دهنده با تمدید مهلت بازپرداخت، بدهی به سن بالاتر حیوان مشروط می‌شد. برای مثال، اگر شخصی شتر یک‌ساله را بدهکار بود، در پایان مدت و در صورت

ناتوانی در ادای دین، متعهد می‌شد که پس از یک سال شتر دو ساله بپردازد و اگر شتر دو ساله بود، متعهد به پرداخت شتر سه ساله می‌شد (حسین علی حسن، ۱۴۰۵ق، ص ۸).

افزایش سود از طرف وام‌دهندگان و ناتوانی بازپرداخت وام‌گیرندگان، شرایطی را به وجود آورده بود که قرآن کریم با جدیت به مقابله با آن پرداخت و با تغییر مناسبات اجتماعی و اقتصادی آن روز، کنش‌های فرهنگی عصر نزول در خصوص معاملات ربوی را نكوهش کرده است. بی‌تردید، آنچه که به عنوان ربا در ادبیات قرآن کریم استعمال شده، شکلی از رسوم رایج در میان مردمان آن روز بوده است. ربا به مفهومی که اشاره شد از مصادیق ترویج استثمار، برده‌داری، سودانگاری و ثروت‌اندوزی است که هر یک توسط آموزه‌های قرآن کریم نقد و رد شده است.

۵. ربا در میان یهودیان

همچنان که می‌دانیم، ساکنان حجاز را موحدان، بت پرستان، یهودیان و مسیحیان تشکیل می‌دادند. اگرچه اعراب بت پرست در دوره پیش از اسلام، رباخواری را بخشی از اقتصاد خود می‌دانستند؛ اما یهودیان که از ثروت و مالکیت بیشتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند، معاملات ربوی را بیش از دیگران رواج می‌دادند. اساس ثروت‌اندوزی یهودیان بر درآمدهای ناشی از ربا بوده است. یهودیان در طول تاریخ به مال‌دوستی، پول‌پرستی و گردآوری ثروت از راه‌های مشروع و نامشروع شهرت دارند (احمد کریمیان، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

یهودیان، به اعراب کالا و درهم و دینار قرض می‌دادند و برای اطمینان از بازپرداخت، مطالبه رهن می‌کردند و اگر وام‌گیرنده وثیقه معتبری نداشت، زنان و فرزندان را از او رهن می‌گرفتند. چنانچه وام‌گیرنده در موعد مقرر بدهی‌های خود را پرداخت نمی‌کرد، یهودیان زنان و فرزندان آنان را به عنوان برده می‌فروختند (همان، ص ۵۶). علاوه بر این، یهودیان در امر زراعت و فروش محصولات زراعی نیز مناسبات خود را بر پایه سودهای نامشروع بنا کرده بودند. عمده دادوستد یهودیان با دیگر قبایل مدینه و سایر شهرهای حجاز بر همین اساس گزارش شده است (جواد علی، ۱۹۷۶م، ج ۶، ص ۵۴۷). این در حالی است که تورات، یهودیان را به شدت از معاملات ربوی منع و نهی کرده است. آیین موسی علیه السلام نیز همچون

سایر شرایع توحیدی، رباخواران را مستحق عذاب الهی می‌داند. در تورات چنین آمده است: «زمانی که مالی را به یهودی فقیری قرض دادی، رفتار تو با او همانند رفتار طلبکار ربا دهنده نباشد و از او مطالبه ربا نکن» (تورات، سفر خروج، باب ۲۲، بند ۲۵). «اگر برادرت فقیر شد و دست نیاز به سوی تو دراز کرد، او را یاری کن، خواه غریب باشد یا هم‌وطن تو. او را کمک کن تا همراه تو زندگی کند و از او ربا نگیرد و از خدای خود بترس» (همان، سفر لاویان، باب ۲۵، بند ۳۵).

۶. مواجهه تربیتی قرآن کریم با مسئله ربا

اکنون که با پیشینه ربا و رباخواری در میان ساکنان جزیره العرب پیش از اسلام و همزمان با عصر نزول آشنا شدیم، لازم است روش تربیتی قرآن کریم در رویارویی با این پدیده شوم را بررسی و ارزیابی کنیم. آنچه به عنوان شیوه قرآن کریم در تغییر رفتار مخاطبان عصر نزول در موضوع رباخواری ذکر خواهد شد، نمونه‌ای از نظام روشمند و متعالی خداوند در مجموعه اوامر و نواهی قرآن کریم است.

مطابق آنچه که پیش از این اشاره شد، مقوله‌ای مانند رباخواری چنان در زندگی اجتماعی مردم عصر نزول ریشه دوانده بود که در نگاه نخست، طرح موضوع نهی از آن نیز با دشواری روبه‌رو بود؛ چرا که بیم آن می‌رفت که برهم زدن معادلات اقتصادی مردم، موجب بروز نافرمانی و شرارت در برابر اسلام تازه متولد شده گردد. از این رو، هرگونه روشی که نتواند هیجان و واکنش روانی مخاطبان را مدیریت نماید، به شکست محکوم می‌شد. دین اسلام با درک صحیح شرایط موجود و میزان تمایل مردم عصر نزول به سودانگاری، نسبت به حذف تدریجی آن عارضه اجتماعی اقدام نمود.

۱-۶. گام اول: ابطال «ربا» در قالب ایجاد قرابت ذهنی

قرآن کریم در فرایند تربیتی خود، نخست ذهن مخاطبان را به «موضوع» معطوف می‌کند و تقابل ذهنی مخاطب را برمی‌انگیزد. از یک سو «ربا»، و از سوی دیگر «زکات» را به عنوان دو نقطه متقابل ترسیم می‌نماید. به کمک این روش، می‌توان با مطابقت آن دو، به راحتی به درستی یک مسیر و نادرستی مسیری دیگر پی برد: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْحِفُونَ؛ و آنچه

[به‌عنوان] ربا داده‌اید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا زیاد نمی‌شود [و برکتی ندارد] ولی آنچه از زکات برای رضای خدا می‌دهید، پس اینان فزونی دارند» (روم: ۳۹).

در این بیان زیبا، «ربا» در برابر «زکات» قرار داده شده تا مخاطب به آسانی تفاوت کارکرد هریک را دریابد. «ربا در این آیه به معنای نمو مال و زیاد شدن آن است و عبارت «لیربوا» اشاره به علت این نامگذاری است که چرا «ربا» را ربا خوانده‌اند. بنابراین، مراد این است که مالی که شما به مردم داده‌اید تا اموالشان زیاد شود [نه برای اینکه خدا راضی شود]، آن مال نزد خدا زیاد نمی‌شود و نمو نمی‌کند و ثوابی از آن عایدتان نمی‌شود؛ برای اینکه قصد قربت نداشته‌اید. مراد از «زکات»، مطلق صدقه است. معنایش این است که آن مالی که برای رضای خدا دادید و اسراف هم نکردید، چند برابرش عایدتان می‌شود. کلمه «مضعف» به معنای دارنده چند برابر است و معنای کلام این است که چنین کسانی، آنهایی هستند که «یضعف لهم» مالشان و یا ثوابشان چند برابر می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۶، ص ۲۷۷).

ابن عاشور نیز در تفسیر خود با اشاره به تحریم ربا به‌عنوان «زیادتی حرام»، می‌نویسد: «هدف آیه تذکر و یادآوری به کسانی است که به دور از رضایت خداوند در پی منفعت خودشان هستند...». وی این تفسیر را به عموم مفسران تعمیم می‌دهد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۶۱). به‌این ترتیب، قرار گرفتن ردیلتی چون «ربا» در مجاورت فضیلتی چون «زکات»، به‌خوبی وجوه منکر و زشت آن را به مخاطب تفهیم می‌نماید. به‌عبارت دیگر، برای مخاطب قرابتی ذهنی ایجاد شده تا بتواند زشتی و ردیلت موضوع مورد بحث را به سهولت دریابد.

۲-۶. گام دوم: تنبیه‌بخشی تاریخ، شیوه تربیتی قرآن کریم

یهودیان حجاز و به‌خصوص یهودیان ساکن مدینه، از فعال‌ترین اشخاص در دادوستد ربوی بودند. آنان نه تنها قبایل خود را که دیگر قبایل عرب را نیز آلوده چنین تعاملات ننگ‌آوری کرده بودند. همان‌طور که اشاره شد، قرآن کریم در روش تربیتی خود در برخورد با پدیده رباخواری، به بیان تاریخ یهود و عملکرد ناپسند آنان می‌پردازد و علاوه بر تفسیح رباخواران یهود، نهی از عملکردشان را نیز منعکس می‌فرماید: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ

وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ و بدین جهت که ربا می گرفتند؛ حال آنکه از آن نهی شده بودند و از آن روی که اموال مردم را به باطل می خوردند، به کیفر رسند و ما برای کافران آنها عذابی دردناک مهیا ساخته ایم» (نساء: ۱۶۱). قرآن کریم همچنان مخاطب را گام به گام تا رسیدن به مقصود باخود همراه می کند، بی آنکه احساسات منفی و لجاجت وی را تحریک نماید. روش تربیتی قرآن کریم، بیان زشتی عملکرد کسانی است که پیرو پیامبر الهی بودند، اما از فرامین و نواهی دین سرپیچی می کردند. مخاطبان قرآن کریم در این بیان ارزشمند، متوجه تحریم «ربا» و «رباخواری» در ادیان پیشین نیز می شوند. این توجه و تنبه، زمینه ساز رفع آلودگی جامعه اسلامی از رذیلت معاملاتی ربوی است.

از سوی دیگر، بادقت در عبارات آیه کریمه، ابعاد تازه ای از روش تربیتی قرآن کریم کشف می شود. قرار گرفتن عبارت های «و اخذهم الربا و قد نهوا عنه» و «و اکلهم اموال الناس بالباطل»، به زیبایی مفهومی را به مخاطب منتقل می کند تا در این قالب، به روشنی، زشتی و رذیلت دو مسئله نمایان شود. از یک سو رباخواری، و از سوی دیگر حق الناس در یک آیه بیان شده است. مخاطب قرآن کریم - در هر عصری - بر ناپسندی خوردن اموال مردم آگاه است و از همین آگاهی، به آسانی میزان زشتی ربا را نیز درک می کند؛ و البته این انتقال مفهوم از عجایب چیش متن و اعجاز قرآن کریم است. تفسیر شریف المیزان، مصداق «و اکلهم اموال الناس بالباطل» را چنین تشریح کرده است: «بدون استحقاق مال مردم را می خوردند. آنها در موقع قضاوت، رشوه می گرفتند...» (طباطبایی، ج ۶، ص ۱۴۳). بدین ترتیب، بررسی عملکرد یهودیان در موضوع ربا و رباخواری، ذهن مسلمانان را به این مهم معطوف نمود تا مانند یهودیان به آلودگی هایی همچون ربا، حق الناس و رشوه گرفتار نشوند. تبیین تاریخ بنی اسرائیل در این خصوص، موجب هشیاری مسلمانان نسبت به منفعت طلبی، سودانگاری و رباخواری و همچنین زیان های اقتصادی و اجتماعی آن است.

۱-۲-۶. نهی یهودیان از رباخواری و نافرمانی آنان

از مهم ترین اسالیب به کار گرفته شده در قرآن کریم، استفاده از عبرت های تاریخ در جهت کارکردهای تربیتی است. توصیه های مکرر آیات در خصوص ضرورت سیر و سفر و

عبرت آموزی از تاریخ پیشینیان، ناظر بر همین موضوع است (برای نمونه ر.ک: انعام: ۱۱؛ نمل: ۶۹؛ روم: ۴۲). تاریخ پرتلاطم بنی اسرائیل در قرآن کریم، سرشار از آموزه‌هایی است که هریک در جایگاه خود، اصلی تربیتی را به مخاطب القا می‌کند. لجاجت این قوم در موضوعات مختلف، بارها در متن آیات نقل و نکوهش شده است (برای نمونه ر.ک: بقره: ۹۳؛ مائده: ۲۴؛ طه: ۹۱، ۹۰).

هم‌جواری یهودیان با ساکنان مدینه در آغاز تشکیل مدنیت اسلامی، سبب بروز مشکلاتی شد که برخی از آنها تا سرحد جنگ با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز کشیده شد (حشر: ۲-۵). طوایفی از یهودیان همچون بنی‌نضیر و بنی‌قینقاع از همین قبیل هستند که سرگذشت آنان در آیات فراوانی منعکس شده است. نافرمانی یهودیان و سرپیچی آنان از دستور شریعت در پرهیز از ربا نیز از همین دست می‌باشد. بنابراین، قرآن کریم در شیوه تربیتی خود در خصوص تغییر نگرش مخاطبان و در نهایت نهی از ربا، اشاره‌ای به عملکرد یهودیان می‌نماید. بدین ترتیب، مخاطبان آن روز قرآن، می‌توانستند همه دیدگاه‌های این کتاب شریف در خصوص رباخواری را با توجه به همین آیه دریابند. یادکرد موضوع رباخواری یهودیان در عین نهی شریعت، و نیز ادامه آیه در قالب عبارت تهدیدی «واعتدنا للكافرين منهم عذابا الیم» سرآغاز تربیتی روشمند در موضوع مورد بحث است. هر بیننده‌ای که با آیه مذکور روبه‌رو شود، به‌خوبی درمی‌یابد که دیدگاه قرآن کریم بر مبنای رد «ربا» اقامه شده است. در این روش تربیتی، خداوند متعال بدون امر به حرمت رباخواری، مخاطب را به این باور می‌رساند که موضوع طرح شده دارای حرمت و ممنوعیت است و در نهایت وعده عذاب در انتظار مرتکبان خواهد بود.

۳-۶. گام سوم: انذار، ابزار تربیتی قرآن کریم

از جمله ابزار کارآمدی که قرآن کریم در مقوله تربیت از آن بهره فراوانی برده، «انذار» است. ذکر این نکته ضروری است که قرآن کریم، «انذار» را در کنار «بشارت» و البته در مرتبه پس از آن قرار داده و آن‌دو را با لحاظ مراتب، از مأموریت‌های رسولان خود معرفی کرده است: «فبعث‌الله النبیین مبشیرین و منذرین...» (بقره: ۲۱۳). بنابراین، بخشی از روش تربیتی

قرآن کریم مبتنی بر تهدیداتی است که در قالب‌های مختلف بیانی ارائه شده است. به عبارت دیگر، قرآن کریم با استفاده از این گفتمان، به مخاطب خود ممنوعیت و تحریم برخی از موضوعات را تفهیم می‌کند. از این رو، عبارت «واعتدنا للكافرين منهنم عذابا الیما»، اندازی است که قرآن کریم با در نظر گرفتن نافرمانی یهودیان در خصوص موضوع ربا و رباخواری تفهیم کرده است.

همچنین، در آیه مذکور با یادآوری خطای یهودیان، بی‌آنکه به صورت مستقیم تکلیف یا امر کرده باشد، مسلمانان را از تکرار مشابه آن بر حذر می‌دارد. در حقیقت، خداوند متعال با این شیوه، به تدریج، مخاطب را به اصل مبحث راهنمایی می‌فرماید. تبیین غیرمستقیم موضوع از جهات مختلف، ظرفیت ذهنی مخاطب را جهت پذیرش سریع و بهتر اصل مبحث ارتقا می‌دهد. در قرآن کریم این روش به عنوان مأموریت نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یاد شده و بارها به آن اشاره شده است: «لِيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا...؛ تا آنکه دلش زنده است را بیم دهد» (یس: ۷۰)؛ «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَخْشِيهَا...؛ تو فقط بیم‌دهنده کسی هستی که از آن می‌ترسد» (نازعات: ۴۵). قرآن کریم در دومین مرحله، با نقل عملکرد ناپسند یهودیان در معاملات ربوی، مسلمانان را نسبت به خودداری از آن متنبه می‌نماید. سیر تدریجی تربیت قرآن کریم در آیات مذکور قابل توجه است.

۴-۶. گام چهارم: تحریم ربا، تأکید بر پرهیزگاری

آیات پیشین با بیانی نرم مخاطبان را با زشتی موضوع ربا آشنا و بستری هموار را جهت تبیین نهایی موضوع فراهم می‌کند. اکنون ظرفیت‌های ذهنی مخاطب آماده پذیرش حکم نهایی است. در این گام لازم است که «حکم» به روشنی تشریح شده و تحریم آن ابلاغ گردد. این آیات کریمه ناظر بر همین هدف است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ* وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ* وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را چندبرابر مخورید، از خدا بترسید [و ترک این عمل زشت کنید]، باشد که رستگار شوید، و از آتشی که برای کافران آماده شده پروا کنید، و خدا و پیامبر را فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید» (آل عمران: ۱۳۰-۱۳۲).

شکل‌گیری حاکمیت اسلامی و ضرورت اطاعت از نبی اکرم ﷺ، موجب سلامت رفتاری جامعه اسلامی است. بررسی سبب نزول آیات نشان می‌دهد که نافرمانی و سرپیچی مسلمانان از دستورات نبی مکرم ﷺ در جنگ اُحُد موجب ضعف و شکاف میان آنان شد. قرآن کریم در مجموعه‌ای از آیات، شرایط و ضوابط تشکیل و تداوم حکومت اسلامی را تبیین می‌فرماید (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۴).

فخر رازی در تفسیر خود می‌نویسد: هنگامی که خداوند متعال نعمت‌های بزرگش بر مؤمنان را شرح می‌دهد، بر متابعت آنان از اوامر و نواهی پیامبر تأکید نموده است (فخر رازی، ۱۴۲۵ق، ج ۹، ص ۳۶۳). وی در ادامه بحث در خصوص موضوع ربا در این آیه می‌نویسد: «اعلم ان اتقاء الله في هذه النهي واجب، وان الفلاح يتوقف عليه، ولو اكل ولم يتق زال الفلاح وهذا تنصيص على ان الربا من الكبائر لا من الصغائر؛ بدان که در این تحریم، تقوای الهی واجب است، چرا که رستگاری بر آن متوقف می‌باشد. و چنانچه کسی بدون توجه به تقوای الهی بر ربا اصرار کند، باید بداند که ربا از گناهان کبیره است» (همان، ص ۳۶۴). ربا، به‌عنوان مصداقی از معصیت الهی ذکر شده و رعایت تقوا را در پیشگیری از آلوده شدن به آن لازم دانسته است. شیخ طوسی در تفسیر ارزشمند تبیان، هشدار به مؤمنان را این‌گونه شرح داده است: «و قوله: [اتقوا الله] معناه اتقوا معاصیه [لعلکم تفلحون] لکی تنجحوا بادرک ما تأملونه، و تفوزوا بثواب الجنة، لأن [لعل] وان كان للشك، فان ذلك لا يجوز علی الله تعالی» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۸۸).

سیوطی نیز در تفسیر الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور با بررسی روایات تفسیری می‌نویسد: «و اخرج ابن ابی حاتم عن سعید بن جبیر فی الایه قال: ان الرجل کان یكون له علی الرجل المال فاذا حل الاجل طلبه من صاحبه فیقول المطلوب اخر عنی و ازیدک فی مالک فیفعلان ذلك فذلك [الربا اضعافا مضاعفه] فوعظهم الله واتقوا الله فی امر الربا فلا تأکلوا [لعلکم تفلحون] لکی تفلحوا [واتقوا النار التي اعدت للكافرين] فخوف آکل الربا من المؤمنین بالنار التي اعدت للكافرين» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۱). سیوطی با استناد به روایتی که نقل کرده، به دنبال اثبات شیوه تربیتی خداوند در تأکید بر موضوع پرهیزگاری است که بدون آن فلاح و رستگاری ممکن نیست. این روش مهم در تحریم ربا نیز بهره‌برداری شده است.

از این رو، پس از نهی مستقیم قرآن کریم از آلودگی به «ربا»، شرط رستگاری اهل ایمان را «تقوا» دانسته است: «وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». آرامش در تبیین تربیت دینی و تدریج در انتقال مفاهیم قرآنی به گونه‌ای شکل گرفته که جامعه دینی رفته‌رفته خود را با موج تغییرات و تأثیرات فرهنگی قرآن کریم همراه می‌بیند. از مهم‌ترین مبانی اندیشه قرآن کریم، ایجاد روح تقوا در تمامی عرصه‌های زندگی بشر است. علامه جمال‌الدین قاسمی در تبیین آیه، در خصوص تقوا و نتایج آن می‌نویسد: «پرهیزگاری در آنچه از آن نهی شده‌اید. همچنین، امید به رستگاری در ایفای حقوقتان و حفظ شما در برابر دشمنانتان؛ چنانکه شما حقوق دیگر اشیا را رعایت می‌کنید» (قاسمی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۴۱۱). رعایت اصل تقوای الهی در موضوع ربا در سوره مبارکه بقره نیز اشاره شده است. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۲۸۱ می‌نویسد: «وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ...؛ این جمله، دنباله‌ای است برای آیات ربا که حکم ربا و جزای آن را بیان می‌کرد و این جمله با تذکری عمومی، روز قیامت را با پاره‌ای از خصوصیاتش که متناسب با مقام آیه است یادآور می‌شود تا دل‌ها با یاد آن، آماده پرهیز از خدا و ورع و اجتناب از محرمات او گردد؛ آن محرماتی که مربوط به حقوق الناس می‌باشد که زندگی بشر بر آن متکی است» (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۴۹). مطالعه آیات سوره مبارکه بقره در خصوص نهی از ربا نشان می‌دهد که: گفتمان تربیتی قرآن کریم در جهت حذف نهایی پدیده ربا و رباخواری است. نباید فراموش کرد که آیات مورد بحث، از آخرین آیاتی است که بر نبی مکرم اسلام ﷺ نازل شده است. بدین ترتیب در این مرحله، ربا و رباخواری تحریم شده و خداوند به مسلمانان نسبت به ارتکاب آن هشدار جدی می‌دهد.

۵-۶. گام پنجم: تأکیدی دوباره؛ از تحریم تا اعلان جنگ

مجموعه آیات مربوط به تحریم رباخواری در سوره مبارکه بقره حاکی از آن است که قرآن کریم در پایان مسیر تربیتی خود و پس از اعلام ممنوعیت رباخواری، ابعاد تازه‌ای از مقابله با این سبک ناپسند اقتصادی را به نمایش می‌گذارد. در این مجموعه آیات، نخست کج‌فهمی رباخواران مذمت شده و تفاوت دو مقوله «دادوستد» با «ربا» به روشنی استدلال می‌شود. آنگاه، موضع صریح خداوند در برابر آن تبیین می‌گردد: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ

الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا...؛ این از آن روست که گفتند: دادوستد صرفاً مانند ربا است، حال آنکه خداوند معامله را حلال و ربا را حرام کرده است» (بقره: ۲۷۵).

در این آیه کریمه، خداوند با استفاده از فرهنگ و بیان عامیانه عصر نزول، به نقل کم‌خردی و جهل مخاطبان خود می‌پردازد. فرهنگ زمانه حاکی از این بود که می‌پنداشتند انسان‌های دیوانه، جن‌زده هستند. قرآن کریم بدون توجه به مفهوم این پندار غلط، از این مثل رایج میان مخاطبان خود استفاده کرده و رباخواران را به افراد جن‌زده تشبیه می‌نماید؛ تشبیهی که از جهل آنان حکایت دارد. مرحوم آیت‌الله معرفت چنین استفاده‌ای را با عنوان «مجازات استعمال» و همراهی با ادبیات و فرهنگ مخاطب یاد می‌کند (معرفت، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

صاحب تفسیر مجمع‌البیان در شرح عبارت «احل الله البيع و حرم الربا» می‌نویسد: «یعنی خداوند معامله‌ای را که در آن ربا نباشد، حلال کرده است و معامله‌ای که در آن ربا باشد را حرام نموده است. فرق آنها این است که در معامله نخست، زیادی پول در اثر خود معامله است؛ ولی در معامله دوم، پول به واسطه تأخیر بدهکار اضافه شده است و نیز معامله [صحیح] معاوضه پول با جنس است، ولی در معامله ربایی، پولی در برابر جنس قرار نگرفته است؛ بلکه در برابر تأخیر بدهی می‌باشد. آنچه از رسول اکرم ﷺ رسیده، این است که زیاد کردن در شش چیز حرام است: طلا، نقره، گندم، جو، خرما، نمک و بعضی کشمش را هم گفته‌اند. فرمود، بدانید که هر چیز به مثل آن و به همان مقداری که داده می‌شود باید باشد و آنچه زیادتر بدهد یا بگیرد ربا می‌باشد» (طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۸۲). زمخشری در تفسیر خود به لزوم تفکیک میان دو مقوله «بیع» و «ربا» پرداخته و می‌نویسد: «آیه [احل الله البيع و حرم الربا] در انکار تساوی میان بیع و ربا است. و بر آن دلالت دارد که قیاس میان این دو مقوله موجب از میان رفتن صراحت نص خواهد بود؛ چرا که از یک سو با «احل الله»، بیع را حلال فرموده و با «حرم»، ربا را تحریم نموده است» (زمخشری، ۱۴۰۲، ق، ج ۱، ص ۳۲۱). تکرار همان تقابلی که اشاره شد، بار دیگر با رویکردی تهدیدآمیز، شاهدی بر تدریج در فرایند تربیت‌پذیری به شیوه تربیتی قرآن کریم است؛ تقابلی میان رباخواری و پرداخت صدقات: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ؛ خداوند ربا را کاهش می‌دهد و صدقات را افزون می‌نماید؛ و او هیچ کفران‌پیشه گنهکاری را دوست ندارد» (بقره: ۲۷۶).

«فَإِنْ لَّمْ تَقْلُوبُوا فَاذْنُوبُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ و اگر امر و فرمان خدا را نمی‌پذیرید و بدان گردن نمی‌نهدید و از باقیمانده ربا دست برنمی‌دارید، پس یقین کنید و بدانید که جنگ با خدا و پیامبر است» (بقره: ۲۷۹).

بعضی گفته‌اند: کسی که با ربا معامله می‌کند، امام او را توبه می‌دهد. اگر توبه کرد، رها می‌شود؛ و گرنه باید او را بکشند. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس ربا می‌خورد، بعد از روشن شدن، نخست او را تأدیب می‌کنند. اگر باز هم ربا خورد، دفعه دوم هم او را ادب می‌کنند و چنانچه پس از آن ربا گرفت او را می‌کشند (طبرسی، ج ۳، ص ۱۹۱). مفسران مسلمان، اهمیت آیه را در بزرگی تعبیر آن می‌دانند که رباخوار تا جایی پیش می‌رود که به واسطه عملکرد ناپسند خود، وارد جنگ با خدا و رسولش می‌شود. ابن‌عاشور، تنکیر واژه «حرب» را به جهت تعظیم موضوع بیان نموده است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۵۶۰؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۷۱).

سیاق آیات و ارتباط موضوعی آنان با یکدیگر، نشان می‌دهد که تأکید و اصرار نهایی بر تحریم ربا و رباخواری همراه با ارائه راهکارهایی اندیشمندانه است که پیش از آن تبیین شده است. دو مقوله مورد تأکید قرآن کریم که مهارکننده ربا و رباخواری است با اندکی فاصله، قبل و بعد از آیات مربوط به تحریم ربا ذکر شده است. قرآن کریم در سوره مبارکه بقره اندکی پیش‌تر از آیات تحریم ربا، موضوع «قرض الحسنه» را ذکر می‌نماید (بقره: ۲۴۵). مجموعه‌ای از آیات نیز متصل به آیات مربوط به تحریم ربا در تبیین موضوع «انفاق» قرار دارد که آن نیز تقابلی با رباخواری محسوب می‌شود (بقره: ۲۷۰-۲۷۴). علامه طباطبایی در خصوص ارتباط میان آیات قرض الحسنه، صدقه و تحریم ربا می‌نویسد: «این آیات؛ یعنی آیات مورد بحث با آیات قبلش (که درباره انفاق است) بی‌ارتباط نیست؛ همچنان که از جمله «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ» و جمله «وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ» که در ضمن این آیات آمده، این ارتباط فهمیده می‌شود. همچنان که در سوره روم و آل‌عمران نیز مسئله ربا مقارن با مسئله انفاق و صدقه واقع شده است. به علاوه، دقت در آیات، این ارتباط را تأیید می‌کند؛ زیرا رباخواری درست ضد و مقابل انفاق و صدقه است...» (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۲۷).

۷. نتیجه گیری

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که فرایند تربیتی قرآن کریم در موضوع «نهی از ربا» مبتنی بر روش گام به گام است. در این روش، قرآن کریم با لحنی آرام به طرح موضوع پرداخته و نخست ذهن مخاطب را با مقوله مورد نظر خود آشنا می‌کند. بررسی و مطالعه رسوم ساکنان شبه جزیره عربستان در پیش از اسلام نشان می‌دهد که پدیده زشت و ناپسند رباخواری، بخش مهمی از اقتصاد اعراب جاهل و یهودیان بوده است. چه بسا تحریم یکباره آن، موجب بروز نافرمانی در میان مخاطبان تازه مسلمان و تشدید مشکلات تبلیغی در مقابل نهال نوظهور اسلام می‌شد. بنابراین، نهی از رباخواری نیز در ابتدا از آهنگی ملایم برخوردار بود و در ادامه، شدت لحن آیات بیشتر می‌شود. در نهایت، تحریم صریح رباخواری مورد تأکید قرآن کریم قرار می‌گیرد و همگان از آن نهی می‌شوند. تبیین «قرض الحسنه» و «صدقه» به عنوان روش همیاری اقتصادی در جامعه از یک سو، و نگاه تاریخی قرآن کریم در نهی یهودیان از رباخواری و وعده عذاب به رباخواران، رفته رفته بیان قرآن کریم را شدت می‌دهد. تبیین دشمنی و تقابل با خداوند و رسولش به عنوان گام نهایی در «نهی از رباخواری» تعبیری قابل توجه است. به موازات چنین رویکردی، لازم است تأکید قرآن کریم بر تعمیق روح ایمان و تقوا نیز ملاحظه گردد. گویا از دیدگاه قرآن کریم روش تربیتی زمانی قوام می‌یابد که همراه با اثربخشی ایمان و تقوا پروری باشد. مفسران شیعه و اهل سنت در تبیین نهی قرآن کریم از ربا و رباخواری، هم صدا و هم نظرند. بیان تدریجی و توأم با آهنگ تربیتی کلام الله مجید، رهیافتی به روشی ارزشمند در تغییر رفتار مخاطبان و تأثیر بر فرهنگ زمان عصر نزول تلقی می‌شود. روش مذکور در موضوعات متعددی از فرامین و نواهی قرآن کریم قابل انطباق بوده و به عنوان شیوه‌ای متقن در تأثیرگذاری تربیتی قابل بهره‌برداری است. تردیدی نیست که سیر تدریجی رویارویی قرآن کریم با ردائل اخلاقی و رسوم جاهلی تأثیر قابل توجهی در شکل‌گیری جامعه اسلامی داشته است. روش‌های مؤثر تربیتی قرآن کریم بر مخاطبان عصر نزول بی‌بدیل است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- تورات، ترجمه انجمن کتاب مقدس ایران.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ **التحریر و التنویر**؛ بیروت: مؤسسه تاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**؛ نسخه نرم افزاری.
- اعرافی، علیرضا؛ **درآمدی بر تفسیر تربیتی**؛ چاپ اول، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳.
- باقری، خسرو؛ **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**؛ چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵.
- بهشتی، محمد؛ **مبانی تربیت از دیدگاه قرآن**؛ تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- توفیقی، حسین؛ **آشنایی با ادیان بزرگ**؛ چاپ اول، قم: انتشارات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
- طبری، محمد بن جریر؛ **جامع البیان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۴ق.
- جاهد، حسین علی؛ **اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و تعلیم و تربیت اسلامی**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات جهش، ۱۳۸۷.
- جمعی از نویسندگان جامعه مدرسین، بخش فرهنگی؛ **پیشینه تاریخی ربا**؛ چاپ اول، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۳.
- حنی، فیلیپ خلیل؛ **تاریخ عرب**؛ مترجم ابوالقاسم پابنده؛ چاپ اول، تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۶.
- حاجتی، سید محمد باقر؛ **اسلام و تعلیم و تربیت**؛ چاپ هشتم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- حسن، حسین علی؛ **حضاره العرب فی عصر الجاهلیه**؛ چاپ اول، بیروت: المؤسسة الجامعیه للدراسات و النشر، ۱۴۰۵ق.
- دلشاد تهرانی، مصطفی؛ **سیری در تربیت اسلامی**؛ چاپ چهارم، تهران: نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۸۰.
- دهخدا، علی اکبر؛ **لغت نامه**؛ تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد؛ **المفردات فی غریب القرآن**؛ دمشق: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- رفیعی، بهروز؛ **آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت**؛ چاپ اول، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بی تا.
- زمخشری، محمود بن عمر؛ **الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل**؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۲ق.
- سیوطی، عبدالرحمن ابوبکر؛ **الدر المنثور فی تفسیر بالمشهور**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- شریعتمداری، علی؛ **تعلیم و تربیت اسلامی**؛ چاپ نهم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.

- شفیع مازندرانی؛ سید محمد: **وام و ربا در نگرش اسلامی**؛ چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹.
- طباطبایی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ مترجم محمد باقر موسوی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان**؛ مترجم حسین نوری همدانی؛ چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۶.
- طیب، عبدالحسین؛ **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۶۹.
- عبدالله امین، حسن؛ **سپرده‌های نقدی و راه‌های استفاده از آن**؛ مترجم محمد درخشنده؛ چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- علی، جواد؛ **المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام**؛ چاپ اول، بغداد: دارالعلم للملایین، ۱۹۷۲م.
- عمید، حسن؛ **لغت نامه ۴۵**؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۰.
- فخر رازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**؛ چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ق.
- فضل الله، محمد حسین؛ **من وحی القرآن**؛ بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- فیاض، علی اکبر؛ **تاریخ اسلام**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- قاسمی، جمال‌الدین؛ **محاسن التأویل**؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۲ق.
- قربانی لاهیجی، زین‌العابدین؛ **تفسیر جامع آیات الاحکام**؛ چاپ سوم، تهران: نشر سایه، ۱۳۸۴.
- قرشی، باقر شریف؛ **النظام التربوی فی الاسلام**؛ چاپ اول، قم: انتشارات مهر امیرالمؤمنین، ۲۰۰۶م.
- قرطبی، محمد بن احمد؛ **الجامع لاحکام القرآن**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- قمی، علی بن ابراهیم؛ **تفسیر قمی**؛ چاپ سوم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳.
- محمد قاسمی، حمید؛ **روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن**؛ چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۹.
- مصباح یزدی، محمد تقی؛ **اخلاق در قرآن**؛ چاپ هشتم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴.
- مطهری، مرتضی؛ **مجموعه آثار**؛ چاپ یازدهم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳.
- _____؛ **تعلیم و تربیت در اسلام**؛ چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۵۲.
- معرفت، محمد هادی؛ **نقد شبهات**؛ چاپ سوم، قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۹۴.
- معلوف، لویس، المنجد، مترجم: محمد بندر ریگی، چاپ ششم، تهران: انتشارات ایران، ۱۳۸۶.
- معین، محمد، **لغت نامه ۴۵**؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.

- مکارم شیرازی، ناصر؛ **اخلاق در قرآن**؛ چاپ اول، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵.
- موسایی، میثم؛ **تبیین موضوع و مفهوم ربا از دیدگاه فقهی**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات پول و بانک، ۱۳۷۶.
- مهدی زاده، حسین؛ **کاوشی در ریشه قرآنی واژه تربیت و پیامد معنایی آن**؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات معرفت، ۱۳۸۳.
- ولفنسون، اسرائیل؛ **تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام**؛ چاپ اول، بیروت: نشر مکتبه بلیون، ۲۰۰۶م.

References

- A Group of Authors in the Cultural Section of Teachers' Association (1393 S.H). *Historical Background of Usury*, 1st Ed., Qom: Bustan-e Ketab.
- A'rafi, Alireza (1393 S.H). *An Introduction to Educational Exegesis*, 1st Ed., Qom: Institute of Enlightenment and Mysticism.
- Abd ol-Lah Amin, Hasan (?). *Cash Deposits and Ways of Using Them*, Translated by Mohammad Derakhshandeh.
- Ali, Javad (1972). *A Comprehensive Look to Arab History Before Islam*, 1st Ed., Baghdad: Dar al-Elm al-Mollaiin.
- Amid, Hasan (1390 S.H). *Dictionary*, Tehran: Amir Kabir.
- Baqeri, Khosrow (1385 S.H). *A review on Islamic Education*, 13th Ed., Tehran: Madreseh .
- Beheshti, Mohammad (1387 S.H). *Educational Principles from Qur'anic Perspective*, Tehran: Culture & Islamic Thought.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1379 S.H). *Dictionary*, Tehran: University of Tehran Press.
- Delshad Tehrani, Mostafa (1380 S.H). *A Review on Islamic Education*, 4th Ed., Tehran: Zekr .
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar (1425 A.H). *Mafatih al-Ghaib*, 1st Ed., Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Fayyaz, Ali Akbar (1369 S.H). *History of Islam*, 1st Ed., Tehran: Tehran University Press.
- Fazl ol-Lah, Muhammad Hossein (1419 A.H). *Min Wahy al-Qur'an*, Beirut/Lebanon: Dar al-Melak.
- Hasan, Hossein Ali (1405 A.H). *Hizarah al-Arab fi Asr al-Jahiliyah*, 1st Ed., Beirut: Al-Mu'asisah al-Jame'iah led-Derasat van-Nashr.
- Hatta, Philip Kalil (1366 S.H). *The History of Arabs*, Translated by Abolqasem Payandeh, 1st Ed., Teharn: Agah .
- Hojjati, SeyEd. Mohammad Baqer (1385 S.H). *Islam and Education*, 1th Ed., Tehran: Publication Office of Islamic Culture.

- Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir (1420 A.H). *At-Tahrir va at-Tanvir* ,Beirut: Institute of Arabic History.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukram (1414 A.H). *Lisan al-Arab* ,Software Edition.
- JahEd., Hosseinali (1387 S.H). *Principles and Philosophy of Education and Islamic Education*, 1 st Ed ,Tehran: Jahesh.
- Ma'refat, Mohammad Hadi (1394 S.H). *Criticism of Arguments*, 3rd Ed., Qom: At-Tamhid .
- Makarem Shirazi, Naser (1385 S.H). *Ethics in the Qur'an*, 1st Ed., Qom: Imam Ali ibn Abi Talib.
- Mehdizadeh, Hussein (1383 S.H). *A Research on the Qur'anic Etymology of the Term Education and its Semantics*, 2nd Ed ,.Tehran: Ma'rifat .
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (1394 S.H). *Ethics in the Qur'an*, 8th Ed., Qom: Educational and Research Institute of Imam Khumeini.
- Mohammad Qasemi, Hamid (1389 S.H). *Educational Methods in the Qur'anic Tales*, 1st Ed., Tehran :Bein ol-Melal Press.
- Mo'in, Mohammad, (1382 S.H). *Dictionary* ,Tehran: Amir Kabir.
- Musaii, Meitham (1376 S.H). *Usury from Juristic View*, 1st Ed., Tehran : Monetary and Banking Research Institute.
- Mutahhari, Morteza (1352 S.H). *Education in Islam*, 2nd Ed., Tehran: Islamic Press Institute .
- Mutahhari, Morteza (1383 S.H). *(Majmu'e Asar (Collection of Books* ,(Qom: Sadra.
- Qarshi, Baqer Sharif (2006). *Educational System in Islam*, 1st Ed., Mehr Amir al-Mu'menin.
- Qasemi, Jamal ad-Din (1402 A.H). *Mahasen at-Ta'wil*, 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Qomi, Ali ibn Ibrahim (1363 S.H). *Tafsir-e Qomi*, 3rd Ed., Qom: Dar al-Kitab .
- Qorbani Lahiji, Zeyn al-AbEd.in (1384 S.H). *Tafsir Jame' al-Ahkam*, 3rd Ed., Tehran: Sayeh.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad (1364 S.H). *Al-Jami' al-Ahkam al-Qur'an*, 1st Ed., Tehran: Naser Khosrow.
- Rafi'i, Behruz .(?) *Ideas of Muslim Scholars on Education*, 1st Ed., Tehran: Research Center of Hawzah & University .
- Raghib Isfahani, Hasan ibn Muhammad (1412 A.H) *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an* ,Damascus: Dar al-Qalam .
- Shafi'i Mazandarani, Seyed Mohammad (1379 S.H). *Loan and Usury in Islamic View*, 1st Ed., Mashhad :Foundation of Islamic Research.
- Shari'atmadari, Ali (1373 S.H). *Islamic Education*, 9th Ed., Tehran: Amir Kabir.

- Suyuti, Abd ar-Rahman Abu Bakr (1404 A.H). *Ad-Dur al-Manthur fi Tafsir bel-Manthur*, 1st Ed ., Tehran: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1412 A.H). *Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* , Beirut: Dar al-Ma'rifah .
- Tabarsi, Abu Ali Fazl ibn al-Hasan (1406 A.H). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* ,Beirut/Lebanon: Dar al-Ma'rifah.
- Tabarsi, Fazl ibn al-Hasan (1368 S.H). *Majma' al-Bayan* ,Translated by Hossein Nouri HamEd.ani, 2nd Ed., Qom: Teachers' Association.
- Tabatabaai, SeyEd .Mohammad Hussein (1376 S.H). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* , Translated by Mohammad Baqer Musavi, Qom: Office of Islamic Press.
- Tayeb, Abd al-Hussain (1369 S.H). *Atyab ol-Bayan fi Tasir al-Qur'an*, 1st Ed., Tehran: Islam.
- Toqifi, Husein (1385 S.H). *An Introduction to Major Religions*, 1st Ed., Qom: Religions & Denominations .
- Tusi, Muhammad ibn Hasan ,*At-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*, 1st Ed., Beirut: Dar Ihya' at-Turath al-Arabi.
- Velfenson, Israil (2006). *History of Judaism in Arabic States in Pre and Post-Islam*, 1st Ed., Beirut :Bebliyun.
- Zamakhshari, Mahmud ibn Umar (1407 A.H). *Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghavamiz al-Tanzil*, 3rd Ed., Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.